

با سلام و عرض ادب...

محورهای شر در برنامه ۹۲۹ توسط آقای شهبازی توضیح داده شده است. وقتی در محورهای شر هستیم، منذهنی ما را هدایت می‌کند و فکر و عملی که می‌کنیم، از منذهنی‌مان برمی‌خیزد. پس با شناسایی این محورهای شر می‌توانیم به جای فکر و عمل برحسب آنها برای ایجاد فضاگشایی، که با ذهن نباشد ابیات پادزهر مولانا را به کار ببریم، تا توسط زندگی فضا باز شود.

اندر آن عالم که هست این سحرها
ساحران هستند جادویی‌گشا
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۴۰۷۵

اندر آن صحرا که رُست این زهرِ تر
نیز رویدهست تریاق ای پسر
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۴۰۷۶

گوید تریاق: از من جو سپر
که ز زهرم من به تو نزدیکتر
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۴۰۷۷
-تریاق: ترکیبی از داروهای مسکن و مخدر که، در طب قدیم به‌عنوان ضد درد و ضد سم به‌کار می‌رفته، پادزهر.

محورهای شر و ابیات پادزهر آن:
۱-قرین: مهمترین محور شر است. بیت پادزهر:

از قرین بی‌قول و گفت‌وگوی او
خو بدزد دل نهان از خوی او
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۶۳۶

۲- تمرکز روی دیگران: با تمرکز روی دیگران، تمرکز روی خود را رقیق می‌کنیم. بیت پادزهر:

تا گنی مر غیر را خبر و سنی
خویش را بدخو و خالی می‌کنی
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۱۹۶

۳- مراد خواستن از چیزهای این دنیایی: از غیر خدا چیزی خواستن محور شر است. بیت پادزهر:

از خدا غیر خدا را خواستن
ظن افزونیست و، گلی کاستن
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۷۷۳

۴- نیکنامی: اگر دیگران را متقاعد می‌کنید که آن‌ها فکر می‌کنند نیستی، یعنی وارد محور شر شده‌ای و نظرات دیگران برایت مهم است. بیت پادزهر:

دل را تمام برگن ای جان، ز نیکنامی
تا یک به یک بدانی اسرار را تمامی
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۹۵۶

۵- حسّ بی‌ارزشی: وقتی خودمان را به حساب نمی‌آوریم به دام قضاوت و تقلید می‌افتیم. به‌عنوان امتداد خدا و جنس زندگی ارزش خود را بدانید. بیت پادزهر:

منگر به هر گدایی که تو خاص از آن مایی
مفروش خویش ارزان که تو بس گران‌بهای
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۸۴۰

۶- سبب‌سازی ذهنی: کسی که در سبب‌سازی ذهن می‌افتد، یعنی این لحظه فضا را باز نمی‌کند، که در معرض قضا و کُن‌فکان و نیروی شفابخشی و زنده کردن زندگی باشد. در سبب‌سازی ما به آنچه ذهن نشان می‌دهد، اهمیت می‌دهیم و باید و نباید می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم، اگر کسی به من خیانت کند، باید انتقام بگیرم. بیت پادزهر:

تو سبب‌سازی و دانایی آن سلطان بین
آنچه ممکن نبود در کفِ او امکان بین
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۰۰۲

۷- سؤال کردن و عجله کردن: سؤال، انسان را در ذهن نگه می‌دارد، شنیدن جواب بازهم در ذهن نگه می‌دارد. عجله کردن نیز کار ذهنی است. بیت پادزهر:

ور پیرسی دیرتر حاصل شود
سهل از بی‌صبریت مشکل شود
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۸۴۸

۸- پشیمانی و ملامت: اگر شما اشتباه می‌کنید، پشیمانی یعنی یاد گرفتن، باید یاد بگیرید و فراموش کنید. خود و دیگران را ملامت نکنید. بیت پادزهر:

به خدا دیو ملامت، برهد روز قیامت
اگر او مهر تو دارد، اگر اقرار تو دارد
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۷۵۸

۹- فضا‌بندی و عدم فضاگشایی: اگر شما در این لحظه به‌جای فضاگشایی، واکنش نشان می‌دهید فضا را می‌بندید و اصلاً کارتان درست نخواهد شد. در هر شرایطی نباید فضا را ببندیم. بیت پادزهر:

حکم حق گُسترد بهر ما بساط

که بگویند از طریق انبساط
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۶۷۰

بساط: هر چیز گسترده‌ای مانند فرش و سفره

۱۰- فکرهای همانیده: فکرهای همانیده ما را خشک می‌کنند. بیت پادزهر:

هرچه اندیشی، پذیرای فناست
آنکه در اندیشه ناید، آن خداست
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۱۰۷

۱۱- میل به همانیدگی و جایگزین کردن همانیدگی‌ها: اشتهای انسان به همانیدگی خیلی زیاد است و وقتی یک همانیدگی را از دست می‌دهد، همانیدگی دیگری جایگزین می‌کند که اشتباه است. بیت پادزهر:

چون رهیدی، شکر آن باشد که هیچ
سوی آن دانه نداری پیچ‌پیچ
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۸۸۰
-پیچ‌پیچ: خم در خم و سخت پیچیده

۱۲- خرافات و باورهای غلط: اگر براساس باورهای غلط، فکر و عمل می‌کنید، بدی به‌وجود خواهد آمد و به خودمان و دیگران ضرر می‌رسانیم. بیت پادزهر:

یار در آخر زمان، کرد طربسازایی
باطن او جدِّ جدِّ، ظاهر او بازیی
جمله عشاق را یار بدین علم گُشت
تا نگند هان و هان، جهل تو طنّازیی
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۳۰۱۳

۱۳- نفرین: هر نفرینی کنید به خودتان برمی‌گردد. بیت پادزهر:

دو رخ شامانِ جنت‌بخش روز رستخیز
حاکمند و نی دعا دانند و نه نفرین کنند
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۷۳۰

- عدم رعایت قانون جبران: یکی از مهمترین محورهای شر است. برای زنده شدن به خدا باید یکی‌یکی، همانیدگی‌ها را شناسایی و بیندازید و درکل من‌ذهنی را بعنوان قانون جبران بدهید.

و در این راه درد هشیارانه بکشید. جبران مادی برای خدمتی که می‌گیرید، رعایت قانون جبران است. تمام استدلال‌هایی که می‌کنید که قانون جبران معنوی و مادی را انجام ندهید، زنگی ذهن است و این‌طور افرادی زمین خواهند خورد و بیشتر در ذهن می‌مانند. تمام کسانی که پیشرفت زیادی داشتند، قانون جبران معنوی و مادی را رعایت کردند. دانستن و یاد گرفتن هر چیزی، وقت، زحمت، توجه، تمرکز و تکرار می‌خواهد. بعضی‌ها فقط می‌خواهند و به قانون جبران عمل نمی‌کنند که زمین خواهند خورد. بیت پادزهر:

خیره میا، خیره مرو، جانب بازار جهان
زانکه درین بیع و شری، این ندهی، آن نبری
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۴۵۵
-میزان: ترازو، مقیاس، معیار
-بیع و شری: خرید و فروش، معامله

۱۲

۱۷- سرنگونی: بازبینی کنید که آیا با من‌ذهنی و میدانم خودتان جلو می‌روید؟ که در این صورت سرنگون می‌شوید. بیت پادزهر:

سرنگون زان شد، که از سر دور ماند
خویش را سر ساخت و تنها پیش راند
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۶۲۱

۱۸- غفلت از حفظ هشیاری و رفتن به گذشته و آینده: اگر مرتب در گذشته و آینده هستید، حول محور شر می‌گردید. بیت پادزهر:

لیک حاضر باش در خود، ای فتی
تا به خانه او بیاید مر تو را
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۶۴۳
-فتی: جوان‌مرد، جوان

۱۹- مقایسه و حسادت: یکی از بزرگترین محورهای شر است. من‌ذهنی خودش را به صورت جسم کاهش می‌دهد و برای شناختن ارزش خود، خود را با دیگران مقایسه می‌کند. این‌طور فردی تمام مشخصات یک من‌ذهنی را دارد، همه محورهای شر را هم دارد و حسادت نتیجه مقایسه است. بیت پادزهر:

این جسد، خانه حسد آمد، بدان
کز حسد آلوده باشد خاندان
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۴۳۲

۲۰- تلاش با ذهن: این که بفهمیم خدا چگونه کار می‌کند غلط است. هیچ موقع نپرسیم اصل من، خود من و خدا از چه جنسی است.

فهمیدن خدا با ذهن محور شر است. بیت پادزهر:

چه چگونه بُدِ عدم را، چه نشان نهیِ قدم را
نگر اولین قدم را، که تو بس نگو نهادی
-مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۸۴۲
قدم: جاودانگی، جنس اصلی ما

۲۱- عدم پرهیز: عدم پرهیز می‌تواند، خیلی راحت خرابکاری کند و ما را در محور شر بیندازد. بیت پادزهر:

چون نباشد قوتی، پرهیز به
در فرارِ لا یطاق آسان بجه
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۴۹۶
-لا یطاق: که تاب نتوان آوردن
-آسان بجه: به آسانی فرار کن

۲۲- تأخیر: تأخیر در ذهن یعنی یک وضعیت ذهنی را در نظر می‌گیریم، که حضور چنین مشخصاتی دارد و برای کامل شدن خود در ذهن زمان تعیین می‌کنیم. بیت پادزهر:

یک زمان کار است بگذار و بتاز
کارِ کوتاه را مکن بر خود دراز
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۱۸۱

۲۳- کارافزایی: اگر چیز آفل به مرکزتان آمد، حتماً قضاوت و مقاومت هم هست، حتماً مانع‌سازی، مسئله‌سازی، دشمن‌سازی و درد سازی و پخش درد هم هست، که همه این‌ها کارافزایی است. بیت پادزهر:

گفت مادر: تا جهان بوده‌ست از این
کارافزایان بُدند اندر زمین
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۴۲۹۸

هین تو کار خویش کن ای ارجمند
زود، کایشان ریش خود بر می‌کنند
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۴۲۹۹
-ریش برگندن: تشویش بی فایده کردن

۲۴- نیازهای روانشناختی: ناراحت بودن برای چیزی که در گذشته اتفاق افتاده و یا نیاز ما برای شکست خوردن کسی، برای بالا آمدن خودمان، جزو نیازهای روانشناختی هستند. بیت پادزهر:

خود ندارم هیچ، به سازد مرا
که ز وَهْمِ دارم است این صد عَنَا
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۳۳۴
-عَنَا: رنج

۲۴- ناز کردن و عدم اضطراب: عبارت از این است که حس عجز و ناتوانی در برابر زندگی نکنیم و بگوییم، من زندگیام را با مزه‌نی خودم می‌توانم اداره کنم. بیت پادزهر:

ناز کردن خوشتر آید از شِکر
لیک، کم خایِش، که دارد صد خطر
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۵۴۴
-خاییدن: جویدن

۲۵- خدا را به جسم آوردن: که محور شر اصلی است. یعنی درحالی‌که با چیزها همانیده هستیم، خدا را نیز، به عنوان جسم در مرکزمان بگذاریم. بیت پادزهر:

از همه اوهام و تصویرات، دور
نور نور نور نور نور نور
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۱۴۶

۲۷- نقش‌ها: وقتی با نقش‌هایمان مانند نقش مادری، پدري، و علمی، استادی و... همانیده هستیم. و خودمان را نقشمان می‌دانیم، محور شر است. بیت پادزهر:

وقت آن آمد که من عریان شوم
نقش بگذارم، سراسر جان شوم
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۶۱۳

۲۸- عدم توکل: خیلی‌ها به خداوند اطمینان ندارند و می‌گویند، ما این کنترل را رها کنیم همه‌چیز خراب می‌شود. بیت پادزهر:

جُز توکّل جز که تسلیم تمام
در غم و راحت همه مکرست و دام
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۴۶۸

۲۹- نسیان: نسیان یعنی چیزی که ذهنمان نشان می‌دهد، به مرکزمان بیاید و برحسب آن ببینیم، یعنی مرکزمان عدم نباشد. جنس اصلی خود را فراموش کنیم و اختیارت را به منذهنات بدهی که هر کاری می‌خواهد بکند.

آیا منذهنی شما زیر اداره شما هست؟ دائماً تماشایش می‌کنید که ممکن است خطا بکند؟ بیت پادزهر:

زآنکه استکمال تعظیم او نکرد

ورنه نسیان درنیاوردی نبرد

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۴۱۰۲

۳۰- فراموشی: من ذهنی فراموش‌کار است. تا جایی که مقدر است، باید فضا را باز کنیم تا این فضا به‌یاد بیاورد که، چه چیزهایی زندگی به ما داد است. بیت پادزهر:

ناسپاسی و فراموشی تو

یاد ناورد آن عسل‌نوشی تو

-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۰

می‌توانیم این ابیات را بصورت پشت‌سرهم و به‌عنوان یک طرح بخوانیم تا در چالش‌های محورهای شر به‌کار ببریم.

با تشکر

-نصرت از سنندج